

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن په کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

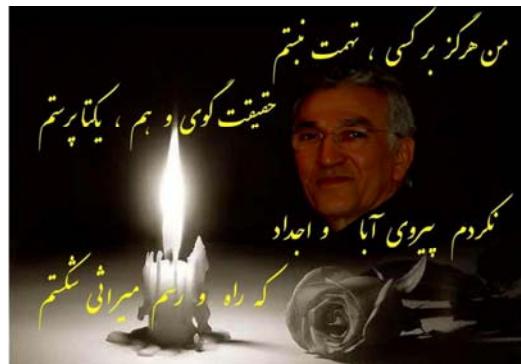
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
۲۵ فبروری ۱۴۰۹



استخاره با راکت

هر چند این نوشته کمی ناجاستی اما رقم ز آنچه حقیقت، رواستی قتل و قتل و وحشت و دهشت ز ششجهت مردم کباب گشته به نار جفاستی جادوگران خفته به ابریشم و حریر تاکی به استخاره و ورد و دعاستی مستخدمان و پادو انگلکیس و از عرب بانام دین، مانع راه خداستی نسل خطای باندِ مجدد، حقیقتاً از مادیان و خزر، ولی آدم نماستی این وحشیان بسته به زنجیر ارجاع جَسَاسه (۱) ها و، جانوران دغاستی باندِ ترور و، دوزخیان مجذّدی یارب! اگر ز لطف کنی محو، نسل شان بشنیده ام که (حضرتِ صغیر) وفات کرد این بار استخاره اثر می نکرد، عجب شاید به اسم و رسم دگر اُنْتِمامتی (۲) گویند، (گلبدین لعین) جانشین او اما به قول (افضلی)، (سیاف) جانشین زیرا ز جاکشان عرب، در خفاستی حالا (بشیر)! خواهی اگر چیزکی نویس «نعمت» از بسکه دست نوشتن دچار درد وارد اگر ثعلّی، عذرم بجاستی

(۱) جَسَاسه = جانوری که جاسوس دجال است.

(۲) اُنْتِمام = منسوب شدن

استخاره با راکت

هر چند، لین نوشه کمی ناجاستی
قتل و قتل و دشت و دشت ز شجاعت لامارتم، ز آنچه حقیقت، رول استی
جادوگر لانِ نخسته به لبکشم و حیره همکی به استخاره و ورد و دعاستی
مستخدمان و پادو لایلیں و لاز عرب با نامِ دین، مانع راهِ خدلاستی
نسل خطایر ماند مجدد، حقیقتاً با نامِ دین، مانع راهِ خدلاستی
لین وحشیانِ بسته به زنجیرِ لا تجاع جایسه ها و، جانورانِ دعاستی
باندِ ترور و، دوزخیانِ مجدد ر برخه سوله و، دشمنِ ازدیشه هاستی
یارب! لگر ز لطف کنی محو، نسل شان عالم بشت و هلل جهان هم رضاستی
بشنیده ام که حضرت صبغت وفات کرد سکرل، وطن ز جمل و جمالت ره استی
لین بار استخاره لاثر می نکرد، عجب شاید به اسم در سه دگر استی
گویند، گمیدن لعین جاشین لو شاید به اسم در سه دگر استی
لما به قول افضلی، سیاف، جاشین زیر لاز جا شان عرب، دخن استی
حال بشیر! خواهی لگر چیزی کی نویس چون خامه و رقیمه ات، همگام ماستی
نعمت! ز بکر دست نوشتن دچارِ درد دارد لگر تعللی، عذردم بجاستی